

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۳۸

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۸ مرداد ۱۳۹۳، ۳۰ جولای ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

شوخان شاد شد. ما همه شادیم! دولت مسئول تامین زندگی و رفاه خانواده "شوخان" است!



نسان نودینیان
خواست پدر "شوخان" ۱۶ ساله؛
«وزارت آموزش و پرورش شرایط
ادامه تحصیل دخترم را فراهم کند»!
شوخان براخاصی، اهل روستای
"کلکه" از توابع دیواندره، دو سال پیش
در چهار سالگی، به خاطر
سرماخوردگی به بیمارستان "امام
خمینی" دیواندره مراجعه کرد و با

صفحه ۶

سناریوی عراق و سوریه تنها گوشه ای از پیامدهای رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای است

صفحه ۵

مضاحبه نسرین رضانعلی با محمد آستگران



کارگران ریسندگی پیریس سنندج هفتمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند



کارگران ریسندگی پیریس
سنندج بعد از هفت روز اعتصاب
هنوز هیچ پاسخی از کارفرما و
اداره کار و مقامات دولتی استان
نگرفته اند. اعتصاب و اعتراض
کارگران پیریس سنندج به دلیل
پرداخت نشدن شش ماه
دستمزدشان است که از اول سال

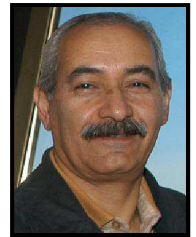
صفحه ۷

برگزاری دادگاه زانیار و لقمان مرادی به تعویق افتاد!

صفحه ۸

استقلال کردستان عراق در پاسخ به کدام نیاز؟

استقلال طلبی و موضوعیت امروز
آن، مواضع دولتهای غربی و منطقه،
سیاست حکومت اقلیم، واکنش
احزاب ناسیونالیست کرد در ایران
پیرامون این مسئله و بالاخره وجه
تمایز و راه حل نیروهای چپ و
سکولار بعنوان نماینده و سخنگوی
واقعی مردم را بطور مختصر مروری
خواهیم کرد.



عبدال گلپریان

نگاهی گذرا و تاریخی به مقوله استقلال طلبی

دست یابی به خواست استقلال
علی العموم در دوران استعمار،

صفحه ۲

بدنبال تحولات اخیر درعراق،
مسئله استقلال کردستان عراق
همچنان یکی از مهمترین
موضوعات روز است. برای بررسی
بیشتر این مسئله، پیشینه تاریخی

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان - نسرین رضانعلی

پس از مدتی نگهداری در اداره
اطلاعات این شهر به زندان مرکزی
سقر انتقال یافتند.
خودکشی

صبح رحمان زاده فرزند علی
ساکن روستای "یوسوخان" از توابع
شهرستان جوانرود پس از یک روز
ناپدید شدن، جسدش به صورت
حلق آویز شده پیدا شده است. صبح
روز پنجشنبه هفته گذشته ناپدید شده
و روز جمعه جسد وی توسط مردم
پیدا شده است.

صفحه ۸

آزادی از زندان

کامل و غریب شریفزاده پس از
۱۲ ماه حبس در زندان مرکزی سقر،
بیستم تیرماه جاری از زندان آزاد
گردیدند. کامل شریفزاده از سوی
شعبه یکم دادگاه انقلاب شهر سقر به
سه سال زندان تعزیری محکوم و
همچنین غریب شریفزاده به دو سال
زندان تعزیری محکوم شده بود.
کامل و غریب شریفزاده، مردادماه
سال ۹۲ به همراه یک شهروند دیگر
به نام عرفان مجیدی توسط نیروهای
اطلاعاتی در شهر سقر بازداشت و

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



تهیه و تنظیم: پدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

صفحه ۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

استقلال کردستان عراق ...

صورت بگیرد؟.

یک بررسی موردی (کردستان عراق)

خواست و مطالبه ای برای بیرون آمدن کشورهای مستعمره از زیر نفوذ سیاسی و اقتصادی کشورهای استعمارگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، مطالبه ای ملی برای جلوگیری از چپاول کشورهای استعمارگر و سرازیر شدن سود و منفعت "ملی" به جیب طبقه حاکمی که به استقلال می رسید قابل تعریف بود. ضرورت و موقعیت تاریخی شروع رشد اقتصادی اوایل قرن، مبارزات ضد استعماری را تاریخا در دستور مالکان و بورژواهای تازه به دوران رسیده محلی قرار داد. بنا به شرایط تاریخی و موقعیت سیاسی و اقتصادی هر یک از دولت‌هایی که زیر چتر استعمار بودند، استقلال آنان توأم با مبارزات ضد استعماری و برای کسب حاکمیت ملی، یکی پس از دیگری و با فراز و نشیب‌هایی به تحقق پیوست. تاریخا این امر سبب شد که با رشد صنعت و اختراعات در اوایل قرن بیستم، اقتصاد کشورهای رها شده از یوغ استعمار و در دایره رشد نظام سرمایه داری جهانی، در خدمت سود و سرمایه برای سرمایه داری خودی نیز شکوفا شود. بر بستر این شرایط تاریخی نیروی کار بعنوان منبعی برای سود آوری سرمایه، طبقه کارگر تولید کننده را سریعاً وارد بازار کار نمود و بدین ترتیب سرمایه داری گروگانان خود را بوجود آورد.

برای جنبش طبقه کارگر بعنوان نیرویی که چرخه تولید اجتماعی در جهان را در دست دارد، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی، رهایی از دنیای تیره و تاری که سرمایه داری به کل جوامع تحمیل کرده است تغییر و دگرگونی بنیادی تنها با تحقق آرمان و آرزوهای سوسیالیستی و از طریق انقلاب اجتماعی طبقه کارگر و اکثریت عظیم توده های مردم محروم میسر و پاسخگو است.

اکنون دیگر روند و خواست استقلال طلبی ضرورت تاریخی خود را از دست داده است اما وقوع و بروز هر تحول سیاسی معینی در اوضاع سیاسی پیچیده امروز را نمیتوان صرفاً با تنویرهای عام جواب داد. با توجه به نکات فوق اینجا این سؤال مطرح می شود که با در نظر گرفتن روند تاریخی پایان دوران مبارزات ضد استعماری در جهت استقلال از یک سو و از سوی دیگر آلترناتیو سوسیالیستی جنبش طبقه کارگر در پاسخ به اوضاع امروز چه در سطح جهانی و چه در هر کشور معینی، آیا استقلال در هر شکل و قامتی در تناقض با پایان این پروسه تاریخی از استقلال طلبی و در مغایرت با افق و اهداف جنبش اجتماعی و سوسیالیستی امروز طبقه کارگر و دیگر جنبشهای اجتماعی که بالاتر به آن اشاره شد نیست؟ برای پاسخ به این سؤال باید مسئله استقلال طلبی در شرایط حاضر و دفاع یا مخالفت با آن را بطور کنکرت مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. برای مثال آیا تحقق استقلال در یک محدوده جغرافیایی معین که به یک معضل سیاسی اجتماعی تبدیل شده است، قرار است در پاسخ به کدام نیاز

کردستان عراق حتی فارغ از تحولات اخیر درعراق و بنا به روندهای تاریخی آن، استقلال در کردستان عراق است. دفاع از استقلال کردستان عراق و یا تحقق آن، تاج افتخاری برای جنبش کمونیستی طبقه کارگر و کل جامعه نیست بلکه پاسخ سیاسی معین به زخمی دیرینه است که امروز بیش از هر زمانی و بر بستر تحولات اخیر در منطقه زبان باز کرده است. در صورت بی پاسخ ماندن، بویژه در اوضاع پر تلاطم کنونی می تواند نه تنها برای مردم در جغرافیای کردستان عراق بلکه اوضاع زندگی مردم در سراسر عراق و کل منطقه را با ترور بمب گذاری به آتش و خون بکشد. بنا براین مورد کردستان عراق برای مصون نگاه داشتن جان و زندگی مردم و اعلام استقلال در این محدوده جغرافیایی که دستخوش تحولات سرنوشت سازی شده است، امری مشروع و قابل دفاع است. از این منظر استقلال کردستان عراق دقیقاً در راستای تقویت افق و اهداف انسانی جنبش اجتماعی و کمونیستی طبقه کارگر است. اگر قرار باشد کارگر را متحد کرد، اعتراض و مبارزه اش را سازمان داد، جنبشهای اعراضی و اجتماعی دیگر را حول این افق متحد ساخت و چشم انداز قدرت سیاسی را برایش ترسیم کرد، این امر نیازمند شرایط نسبتاً نرمال، متعارف و بدور از جنگ، ترور، بمب گذاری و خونریزی است. در تاکید و در دفاع از این جهت گیری به فاکتورهای دخیل در پیوند با ضرورت استقلال کردستان نگاهی بیندازیم.

مخالفت با استقلال کردستان عراق از سوی ناسیونالیسم عرب

مخالفت هایی که دولتهای عربی و ناسیونالیسم عرب با استقلال کردستان عراق ابراز می کنند به این دلیل است که عراق یکی از کشورهای عربی محسوب میشود و کردستان عراق در جغرافیای یک کشور عربی قرار دارد. با توجه به تحولات اخیر در عراق که می رود این کشور را به سه بخش تقسیم کند، ناسیونالیسم عرب و دول عربی چنین پیامی را به زبان از دست دادن و یا ذوب شدن یک کشور عربی

ارزیابی می کنند. آنان اساس سیاست و افق خود را بر موجودیت و بقای یک کشور عربی یکدست بنام عراق با همان بافت یکدست عربی بودن قرار می دهند. برای ناسیونالیسم عرب و دولتهایش مسئله این نیست که روزانه چقدر کشت و کشتار، خانه خرابی و تباهی در عراق صورت گرفته و می گیرد بلکه به نفوذ و اعتبار کمی خود و قدرت سیاسی و اقتصادی شان بمشابه ناسیونالیسم عرب در منطقه و حفظ و حراست از خاک و میهن به اوضاع موجود نگاه می کنند. ادامه این سیاست با اهداف اقتصادی و طبقاتی آنان نیز کاملاً خوانایی دارد. بنابراین برای ناسیونالیسم عرب و کل دولتهای عربی حوزه خلیج، وجود و بقای یک کشور عربی را در توازن قوای رقابتها و معادلات جهانی و منطقه ای برایشان از اهمیت بالایی برخوردار است. تعبیر و معاناتی که ناسیونالیسم عرب و دولتهای ذینفع در منطقه از استقلال در کردستان عراق بدست می دهند، هر چه باشد با منافع مردم خوانایی ندارد و همانطور که تاریخا نشان داده اند به انقیاد کشانیدن مردم و کلیه شهروندان در خدمت به بقای خود را بهمهراه داشته است.

جمهوری اسلامی

دولتهای غیر عرب منطقه نیز سیاستهای متفاوتی را در دورانهای معین تاریخی در قبال این اوضاع اتخاذ کرده و می کنند. جمهوری اسلامی نگران سربرآوردن شعار استقلال طلبانه در کردستان ایران نیست چرا که بطور واقعی چنین رغبت و تمایلی بلحاظ تاریخی و اجتماعی در میان مردم کردستان ایران وجود ندارد. حتی احزاب ناسیونالیست کرد ایرانی و بنا به موقعیت اجتماعی و فضای چپ جامعه چنین ادعایی را از خود بروز نداده اند اما نباید فراموش کرد که ناسیونالیسم در هیئت احزاب و جریانات اپوزیسیون، ظرفیت بروز هر گونه مزاحمتی که اختلافات در میان مردم را دامن بزند در خود دارند. عدم تمایل به مسئله استقلال طلبی در کردستان ایران را باید در روابط و مناسبات اجتماعی، سیاسی و تاریخی مردم کردستان با

از صفحه ۲ استقلال کردستان عراق ...

ماقی ساکنان دیگر نقاط کشور و اینکه افکار و آرای مردم کردستان ایران با دیگر مناطق کشور و در مبارزه ای مشترک با حاکمیت آمیخته است ارزیابی کرد. حضور تاریخی گرایش چپ و رادیکال در فضای جامعه کردستان ایران، یکی دیگر از فاکتورهایی است که مسئله استقلال طلبی در کردستان ایران را بی خاصیت کرده است. هیچکدام از دو فاکتور فوق نافی آرای مردم کردستان ایران برای جدا شدن نیست اما چنانکه اشاره شد فاکتورهای یاد شده، مطالبه استقلال طلبی را بی خاصیت و عقیم ساخته است.

تا جاییکه به کردستان عراق مربوط است اگر در دوران جنگ ایران و عراق مسئله استقلال کردستان عراق موضوعیت پیدا می‌کند، بی گمان جمهوری اسلامی آنرا بفال نیک می‌گرفت تا از این طریق بتواند بعنوان فاکتوری در پیشروی و پیروزی خود در جنگ با حکومت بعث صدام حسین از آن استفاده کند. در دوران شروع جنگ مهرهای اصلی حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی از سوی جمهوری اسلامی حمایت می شدند و در ایران علیه حکومت صدام فعالیت می کردند یا در جریان مبارزات مردم کردستان در سال ۵۸ علیه رژیم جمهوری اسلامی، حزب دمکرات بارزانی با سپاه پاسداران در یک جبهه علیه مردم کردستان ایران اسلحه می کشیدند. از این رو سیاست امروز جمهوری اسلامی با چنین فرضی در دوران جنگ ایران و عراق و احتمال مسئله استقلال کردستان عراق کاملاً ۱۸۰ درجه متفاوت است چرا که معادلات سیاسی و منطقه ای تغییر کرده است. امروز جمهوری اسلامی افسار مالکی و برخی نیروهای اسلامی شیعه مرتجع در حکومت عراق را در دست دارد. تقویت، یکپارچگی و یک حکومت مرکزی قوی در بغداد مادام که گوش بفرمان حاکمان جمهوری اسلامی باشد، بخشی از استراتژی رژیم اسلامی برای بقای خود و ادامه موجودیتش برای تبدیل کردن هر گوشه از جهان به کانونهای بحران بوده است.

در حال حاضر جمهوری اسلامی مخالف پر و پا فرص و تند استقلال کردستان عراق است چرا که در صورت تحقق این امر، عراق به سه بخش تقسیم خواهد شد و حکومت مرکزی مالکی که امید جمهوری اسلامی است در قامت فعلی نخواهد ماند و بشدت تضعیف خواهد شد. تهدیدات اخیر رژیم اسلامی در قبال متحدین دیروزی اش در حکومت اقلیم کردستان عراق و مشخصاً بخشی از اتحادیه میهنی مبنی بر قطع رابطه تجاری و بستن مرزها و احتمالاً تهدیدات دیگر، به این خاطر است که از طریق آنان بر فضای عمومی جامعه کردستان عراق فشار وارد کند که خیال استقلال را از سر بدر کنند و بجای آن با ماندن در یک عراق یکپارچه، اهرمی برای تقویت حکومت مرکزی باشند. این سیاست از جانب جمهوری اسلامی می تواند متغیر باشد و تلاش کند همچنان با حکومت استقلال یافته احتمالی آیند در کردستان عراق و برای پیش برد مقاصد خود، این روابط را حفظ کند. توازن قوای نیروهای دخیل در اوضاع سیاسی عراق و کردستان عراق ممکن است جمهوری اسلامی را وادار به جایگزینی شخص دیگری بجای مالکی و یا تمکین به استقلال کردستان عراق بکند. اما آنچه که روشن است این است که بنا به معادلات سیاسی در آینده استقلال کردستان عراق، این روند محدودیت‌هایی را برای مانور جمهوری اسلامی بوجود خواهد آورد. در صورت تقسیم عراق به سه بخش و استقلال کردستان عراق، جمهوری اسلامی یکی از بازندگان اصلی بر بستر این روند خواهد بود.

دولت ترکیه

دولت ترکیه به مسئله استقلال کردستان عراق روی خوش نشان داده است. در مورد سیاست دولت ترکیه در قبال مسئله استقلال کردستان عراق، شاید این سؤال مطرح شود که با توجه به اینکه سالها است که پ ک ک برای خودمختاری و یا استقلال می جنگد، آیا استقلال کردستان عراق این خواست را در

میان نیروهای اپوزیسیون کرد در کردستان ترکیه و مشخصاً پ ک ک تقویت نخواهد کرد؟. پاسخ به این سؤال منفی است. سیاست دولت ترکیه در قبال کردستان عراق بر دو محور استوار است. دو محوری که تا کنون برای دولت ترکیه فرصتهای طلایی ایجاد کرده است. اول اینکه از همان ابتدای تشکیل حکومت اقلیم کردستان بخصوص بعد از سرنگونی حکومت بعث صدام حسین، دولت ترکیه روابط حسنه ای با یکی از احزاب حاکم در کردستان عراق یعنی حزب دمکرات مسعود بارزانی برقرار کرد. این رابطه بتدریج از سال ۲۰۰۷ به این سو و با دیدارهای اردغان از کرکوک، ارپیل و سفرهای مسعود بارزانی به آنکارا تقویت شد. این تلاشها برای دولت ترکیه در راستای دستیابی به نفت از کردستان عراق و صدور آن به بازارهای جهانی بوده است. محور دوم نیز بهره گرفتن از این رابطه و از موقعیت مسعود بارزانی بعنوان رئیس حکومت اقلیم کردستان عراق برای تضعیف و بی اثر ساختن فعالیتهای پ ک ک است.

در این سالها که حکومت اقلیم در چهارچوب دولت مرکزی عراق قرار داشته است، حتی دولت ترکیه بدرجاتی در هر دو زمینه توانسته است تا حدود زیادی به اهداف خود برسد. اکنون ترکیه خریدار و پلی برای فروش نفت حکومت اقلیم به بازارهای جهانی است که سود کلانی عایدش میشود و از سوی دیگر با میانجی گری مسعود بارزانی در قبال مسئله اوچلان و حزب پ ک ک توانسته است امتیازاتی از پ ک ک بگیرد بدون اینکه تا کنون کوچکترین امتیازی به اوچلان و پ ک ک داده باشد. در این مورد دولت ترکیه همچنان در تلاش برای بی اثر کردن سیاست و عملکرد پ ک ک گام برداشته است. از این رو دولت ترکیه نه تنها نگران گسترش خواست خودمختاری یا مطالبه استقلال طلبانه در کردستان ترکیه نیست بلکه استقلال کردستان عراق برایش با مزیت اقتصادی و سیاسی بیشتری همراه خواهد بود. دولت ترکیه اکنون تا آنجا پیش رفته است که سران پ ک ک و اوچلان به این قانع شده اند که مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته تا به آنان اجازه فعالیت

مدنی داده شود. ادامه این سیاست و تضعیف هر چه بیشتر موقعیت پ ک ک نیز زمینه ساز عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نیز هست. تا همینجا دولت ترکیه از موقعیت کنونی اقلیم کردستان عراق بدرجات زیادی به اهداف مورد دلخواه خود دست یافته است. بنابر این نه ترکیه نگرانی سی سال قبل را دارد و نه اوضاع و تحولات امروز شبیه سه دهه قبل است. اکنون دیگر دولت ترکیه خود نیز با شاخه های سیاسی و شخصیت‌های پ ک ک مستقیماً در حال مذاکره است.

سیاست دولتهای غربی در قبال استقلال کردستان عراق

دولتهای غربی و دفاع پروپا قرص اسرائیل از استقلال کردستان عراق قبل از هر چیز بر می گردد به رقابتهای منطقه ای و مشخصاً شاخ و شانه کشیدنهای دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی در مقابل همدیگر، مناقشات تاریخی اعراب و اسرائیل و سربرآوردن دیگر جانوران اسلامی که بر بستر سیاستهای جنگی آمریکا و دول غربی عروج پیدا کردند. اوضاع و تحولات اخیر در عراق که بر بستر شکست سیاستهای آمریکا و متحدینش مردم آنجا به این حال و روز انداخته شده اند، آنان را به اشکال مختلف به اتخاذ سیاستهای ناپایدار و شکست خورده یکی بعد از دیگری کشانیده است.

در تمام موارد فوق آنچه که از سوی دولتهای منطقه نمایندگی نمی شود، خواست و آرزوی توده های مردم و شهروندان ساکن در کردستان عراق است. سیاست آنان بر بده و بستانها، رقابتها و سهم خواهی از اوضاع آشفته بازاری است که آمریکا و متحدینش در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ برای مردم عراق به ارمغان آوردند. اگر مخالفت اصولی از جانب آنان ابراز نمیشود نه به این خاطر که گویا خواهان استقلال کردستان عراق حتی بروایت ناسیونالیسم کرد هستند بلکه دریافته اند که مخالفت با استقلال کردستان عراق می تواند اوضاعی را که خود بانی و مسبب آن بوده اند از این هم فاجعه بار تر کند و منافع میانمدت و دراز مدت آنان از نظر رقابتها و منافع مادیشان

دستخوش خطر قرار بگیرد. بطور واقعی عراق عملاً به سه بخش تقسیم شده است. آمریکا و متحدینش امروز دیگر آن اتوریته دوران قبل از جنگ سرد را ندارند. دولتهای منطقه نیز هر یک ساز خود را می نوازند در نتیجه هر یک به فراخور منافع سیاسی و اقتصادی خویش سرگرم چانی زنی هستند.

ناسیونالیسم کرد و مسئله استقلال کردستان عراق

در طول تاریخ تلاشهای ناسیونالیسم کرد برای سهم خواهی از قدرت و از دوران ملا مصطفی بارزانی تا به امروز، هیچگاه در هیچ سندی شاهد دفاع محکم و روشن ناسیونالیسم کرد از استقلال در کردستان عراق نبوده ایم. در دوران رژیم بعث صدام حسین هر یک از دو حزب حاکم و رقیب در حکومت فعلی اقلیم کردستان، بارها به استانبولی صدام حسین رفتند و چیزی بیشتر از سهم کوچکی که می خواستند بهشان تعلق بگیرد را توقع نداشتند. در مواقعی هم که حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی در جنگ و در رقابت با هم دست بدامن صدام حسین میشد و اتحادیه میهنی نیز چه در دوران حکومت پهلوی و چه در دوران جمهوری اسلامی دست به دامن آنان میشد، تونی بلر نخست وزیر سابق انگلستان در کتاب خاطراتش به این مسئله اشاره کرده است و می گوید: بعد از اینکه سال ۱۹۹۱ این دو حزب توانستند با حمایتهای آمریکا بر کردستان عراق مسلط شوند ما نگران این بودیم که میباید استقلال خود از عراق را اعلام کنند و اگر این کار را می کردند ما ناچار بودیم آنرا بپذیریم اما طی نشست با آنها در کمال ناباوری متوجه شدیم که آنان تنها خواستار چندین میلیون دلار کمک مالی از ما شدند و ما نیز بیش از خواست آنان در اختیارشان پول قرار دادیم.

همین نمونه نشان می دهد که تاریخا خواست و مطالبه حقیرانه ناسیونالیسم کرد فراتر از این نبوده است که تنها بر بستر شکافهای منطقه ای و لاینحل ماندن ستم ملی

از صفحه ۳ استقلال کردستان عراق ...

و در جهت منافع حقییرانه خود سهمی عایدش بشود و به این شکل به بقای خود ادامه دهد. طی تاریخ پر فراز و نشیب این دو حزب، آنچه که برای آنان موضوعیت نداشته است، رفع ستم ملی و حل مسئله کرد بوده اما به یمن حمله آمریکا به عراق و سرنگونی حکومت بعث صدام حسین، شرایطی در کردستان عراق فراهم شد که این دو حزب اصلی همراه با دیگر جریانان و احزاب قومی و اسلامی به قدرت محلی پرتاب شدند و نه تنها این بلکه پست های بالایی هم در دولت مرکزی عراق نسیب شان شد. با توجه به این پروسه و در حاکمیت قرار گرفتن احزاب ناسیونالیست کرد اکنون دیگر نمی توان از وجود ستم ملی در کردستان عراق سخن گفت اما مسئله کرد همچنان بقوت خود باقی است. از آنجا که احزاب حاکم بیش از بیست سال است که حاکمیت دو فاکتوی کردستان را از نظر سیاسی، اداری و اقتصادی در دست دارند اما مسئله کرد همچنان بی پاسخ مانده است. این مسئله همچنان در شرایط و تحولات کنونی تنها در یک رفتارندم و انتخابات آزادانه مردم ساکن در آن و زیر نظر سازمانهای بین المللی برای ماندن یا جدا شدن از عراق می تواند پاسخ بگیرد.

دفاعیات مسعود بارزانی و حزبی از استقلال کردستان عراق نیز در همان چهارچوب تقسیم قدرت، منافع سیاسی و اقتصادی و همچنین حمایت های ضمنی برخی از دولتها قرار دارد. طی گذشت بیش از دو دهه از تقسیم قدرت بین اتحادیه میهنی و حزب دمکرات، اکنون بارزانی نسبت به حزب رقیب موقعیت برتری در کردستان عراق برای خود فراهم کرده است و در جریان تحولات اخیر بارزانی استقلال طلبی اش را تنها بعنوان یک کارت برنده برای بده و بستان با دولت مرکزی و دیگر معاملات از بالا آنرا رو می کند نه برای رفع بحرانی که شهروندان و ساکنان کردستان را مورد تهدید جدی قرار داده است.

موضع و سیاست اتحادیه میهنی در قبال استقلال کردستان عراق نیز کاملاً در کانتکس همین

بند و بست ها از بالا و بخشا با کسب اجازه از مرتجعترین دولت منطقه یعنی جمهوری اسلامی دارد اتخاذ می شود. این مواضع و سیاستها بخوبی گویای آن است که ناسیونالیسم کرد حاکم بر اقلیم کردستان حتی بنا به تعریف و بنا به معیارهایی که در چهار چوب دولتها برای خود بر می شمارد، برای پایان دادن به درد و رنج مردم و دیگر شهروندان کردستان عراق اشتباهی است. استقلال کردستان عراق را برای پایان دادن به جنگ و خونریزی هیچوقت نداشته است.

بازگرداندن جلال طالبانی، انتخاب سلیم جبوری بعنوان رئیس پارلمان و انتخاب فواد معصوم بعنوان رئیس جمهور عراق، اقداماتی رسمی و فرمال برای انجام یک سری تلاشها در راستای تقسیم قدرت از بالا در میان نیروها و احزاب دخیل در حاکمیت عراق و کردستان عراق در اوضاع و احوال کنونی است. دیدار مالکی از طالبانی در سلیمانیه و دیدار سلیم جبوری رئیس پارلمان جدید عراق از اردوگاه آورگان در اربیل که جزو بی سابقه ترین دیدارها بوده است گویای بده و بستان و سازشی است که فقط منافع احزاب و نیروهای حاکم در عراق و کردستان عراق را نشان می دهد. ناسیونالیسم کرد ماهیتا در لابلای زخما ارتقا کرده و به بقای خود ادامه داده است. وجود یک جامعه آزاد، بدون درد و بدون جنگ و کشتار می تواند زمینه ساز رشد و گسترش اعتراضات اجتماعی مردمی باشد که در بیست و سه سال اخیر خیری از این حاکمان ندیده اند.

استقلال کردستان عراق در پاسخ به کدام نیاز؟

ابتدا باید دید که استقلال کردستان عراق قرار است چه نیازی را پاسخ دهد آنگاه با آن مخالف یا موافق بود. با توجه به نکاتی که بالاتر اشاره شد آیا دفاع از خواست استقلال کردستان عراق ضروری است؟. در ابتدای این نوشته به سابقه و پیشینه تاریخی خواست استقلال طلبانه اشاره شد. همچنین به جایگاه

استقلال از منظر ناسیونالیسم کرد، عرب و دولتها پرداختیم. دفاع از استقلال کردستان عراق دفاع از استقلال بمفهوم تعریف تاریخی و کلاسیک آن موضوعیت ندارد بلکه اهمیت آن بر بستر تحولات سیاسی که امروز در عراق بوحود آمده است قابل توضیح است. دفاع در خود از استقلال کردستان عراق و بدون در نظر گرفتن مجموعه ای از فاکتورها و تحولات سیاسی اخیر، دفاعی پوچ و بی معنی است. برای جریانان ناسیونالیسم حاکم بر کردستان عراق و مشخصاً حزب دمکرات بارزانی، کارت استقلال، اهرمی برای امتیاز گیری بوده است که در سرزنگاههای تاریخی و برای سهم خواهی و بده و بستانها و اکنون بر بستر اوضاع سیاسی و جغرافیایی این دوره، آنرا به طرفهای مورد مناقشه نشان می دهد.

آنچه که مسئله طرح استقلال کردستان عراق را ضروری ساخته است دفاع از مدنیت، دفاع از کلیه شهروندانی است که در جغرافیایی بنام کردستان عراق کار و زندگی میکنند و زندگی و آینده شان در مقابل تحولات اوضاع کنونی دستخوش مخاطرات جدی قرار خواهد گرفت می باشد.

در جریان فاجعه ای که بعد از حمله نظامی آمریکا به عراق برای مردم عراق بر جای ماند، کردستان عراق علیرغم اینکه تحت حاکمیت احزاب بورژوا ناسیونالیست و شرکای اسلامی آنان قرار داشته است اما بطور واقعی درجه ای از امنیت در این جغرافیا برقرار بوده است. این درجه از امنیت که کردستان را با آتش و خون از بخش جنوب و عرب نشین متمایز میکرد، خود نیز موقعیتی را برای صاحبان سود و سرمایه مهیا کرد که بیش از دو دهه است در سایه آن مشغول مال اندوزی هستند. تحولات اخیر و تصرف بخشهای غربی عراق از سوی داعش و فاجعه ای هولناکتر از میراث جنگ آمریکا در عراق، این نیاز را می طلبد که حداقل کردستان عراق اعلام استقلال کند تا هم منطقه امنی برای ساکنان آن، از مردم بومی، کارگران مهاجر، آوارگان فراری از دست داعش و مردم عرب زبان که خیری از حکومت مالکی ندیده اند باشد و در پرتو این استقلال که باید با آرای مردم در یک فراندوم

آزاد و با نظارت نهادهای بین المللی انجام گیرد، این محدوده جغرافیایی را از آتش و خونی که در جنوب و غرب عراق در حال گسترش است مصون نگه داشت. پا در هوا ماندن وضع موجود و نظاره گر بند و بست احزاب ناسیونالیسم حاکم با دولت مرکزی شدن برای بده و بستان و تقسیم قدرت بیشتر آنان، می تواند آن درجه از امنیت فعلی در کردستان عراق را هم به مخاطره بیندازد.

استقلال کردستان عراق در شرایط و اوضاع سیاسی و تحولات پیش رو در عراق می تواند محدوده وسیعی را نه با اسم دولت کردی بلکه بعنوان یک ساختاری برای جامعه ای آزاد، سکولار، متمدن و با برسمیت شناسی حقوق برابر کلیه ساکنین و شهروندان آن در کردستان عراق شناخته شود. استقلال کردستان عراق می تواند و باید بیش از سی هزار کارگر مهاجر از کشورهای مختلف، یک و نیم میلیون آواره از سوریه و جنوب عراق که عموماً به زبان عربی تکلم می کنند و همچنین دیگر مردم منتسب به ملیتهای مختلفی که در آنجا بسر می برند را بعنوان شهروندان متساوی الحقوق برسمیت بشناسد و جامعه را از تهدیدات حکومت مرکزی عراق، جمهوری اسلامی و دسته جات و باندهای اسلامی تروریست، از بمب گذاری در کوچه و خیابان و تبدیل نمودن کردستان عراق به قتلگاه انسانها مصون نگه دارد.

استقلال کردستان عراق توسط آرای شهروندان ساکن در کردستان عراق یک حکم و سند قانونی است که بحکم آن، نهادهای بین المللی ناچار خواهند بود آنرا برسمیت شناخته و نه تنها جریانان اسلامی منطقه بلکه حتی دولت مرکزی عراق نیز رسماً و قانوناً قادر به دخالتگری سیاسی و نظامی در آنجا نخواهد بود. در یک چنین کردستان استقلال یافته ای که محور اصلی آن قرار است امنیت، مدنیت و زندگی شهروندان را تضمین کند، این امکان را فراهم می کند که بتوان به سازماندهی مبارزات اجتماعی بخشهای مختلف مردم و اعتراض و مبارزه طبقاتی کارگران دست زد. کردستان مصون داشته شده از هر گونه دست درازی کشورهای منطقه

و ایجاد مانع در مقابل جنگ شیعه و سنی، بستر مناسبی برای هدایت و سمت و سو دادن به مبارزات مردم، برای افشای ماهیت احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد و هر نیروی مرتجع دیگری است.

فضای جنگی و نا امنی در جامعه فرصت مناسبی برای سرکوب و به عقب راندن مبارزات و خواست و مطالبات پاسخ نگرفته مردم است. تاریخاً دولتها در شرایط جنگی قادر شده اند براحتی هر گونه صدای حق طلبانه ای را به بهانه جنگ است، فعلاً صبر کنید، کشور در خطر است، این مبارزات و اعتراضات برحق را به حاشیه برانند.

وظیفه نیروهای سکولار، چپ و کمونیست است که شرایط و اوضاع خطیر کنونی را عمیقاً دریابند. نمی توان با پاسخهای کلیشه ای و ایدئولوژیک به مصاف با وضع موجود رفت. ناسیونالیسم کرد هیچگاه مدافع استقلال کردستان عراق نبوده است آنجایی هم که داعیه استقلال را داشته است تنها بخاطر سهم خاهی بیشتر برای تدام سود، منفعت و قدرت خود بوده است نه نجات جامعه از بروز سناریوی سیاه و حفظ جان و زندگی شهروندان. جامعه و کل شهروندان انتظار دارند که نیرویی قاطع و مدافع حقوق انسانی در این آشفتنه بازاری که نظم نوین جهانی آمریکا، ناسیونالیسم کرد و دولتهای منطقه و دیگر جریانان اسلامی برای مردم عراق به ارمغان آوردند، به میدان آمده و از جان و زندگیشان حمایت کنند. نیروی چپ و سکولاری که در کردستان عراق بتواند این اوضاع را درک کند و خواست و آرزوهای انسانی مردم را با نام استقلال کردستان عراق بعنوان تضمین یک کمربند رسمیت یافته امن و در تمایز با ناسیونالیسم کرد نمایندگی کند، می تواند بسرعت قوی شود و حمایت بخشهای محروم جامعه را بدست آورد. دست یابی به چنین حمایت توده ای و اجتماعی وسیعی در کردستان عراق، زمینه را برای قدرت گیری این چپ در مراحل بعدی مبارزه علیه حاکمان فعلی فراهم خواهد ساخت. چنین تلاش و چشم اندازی می تواند پشتیبان

سناریوی عراق و سوریه...

این مصاحبه تلویزیونی نسرین رمضانعلی با محمد آسگران که ۷ ژوئیه ۲۰۱۴ منتشر شد بوسیله فرزام کرپاسی پیاده و متن کتبی آن با اصلاحاتی منتشر میشود.

نسرین رمضانعلی: درود بر شما! یک ماه است که اخبار مربوط به عراق در صدر اخبار جهان قرار دارد. جنگی در عراق شروع شده و نگرانیهایی را به وجود آورده است. در این رابطه مباحث زیادی از جانب احزاب شخصیت‌ها و دولت‌های مختلف و همینطور حزب کمونیست کارگری ایران از زوایای مختلفی به این مساله پرداخته‌اند. در عین حال هر کدام سعی میکنند راه حل و آلترناتیو خود را اگر داشته باشند برای بحران عراق ارائه دهند. همچنین کشورهایی همچون ایران سوریه عربستان قطر روسیه و آمریکا تلاش داشته و دارند که در این مورد تأثیرات خود را بگذارند. اما عراق غرق یک سناریوی وحشتناک شده است.

این تصویری است که در عراق امروز میبینیم. در این بحث سعی داریم همراه با محمد آسگران تلاش کنیم که از زوایای دیگری به مساله عراق بپردازیم. سوال اولم را از اینجا آغاز میکنم، در دل چه اوضاع و شرایط منطقه‌ای و جهانی مساله عراق به این سمت رفته و جنگی آغاز شده که آینده آن معلوم نیست به کجا میرود. فکر می‌کنید چه مولف‌های جهانی مطرح هست که امروز عراق را به میدان یک جنگ خونین و کشتار وسیع دچار کرده است و همه از جمله آمریکا در سردرگمی به سر میبرند و میگویند نمی‌دانند آینده عراق به کدام سو پیش میرود؟

محمد آسگران: ما اگر صحنه سیاسی منطقه خاورمیانه را نگاه کنیم میبینیم که بحران عراق فقط بخشی از آن است. در سوریه هم به همین صورت و حتی در حال حاضر وخیم‌تر از عراق است و دامنه این بحران میتواند وسیع‌تر نیز بشود. این وضعیت در دل شرایط خاصی به وجود آمده است که مولف‌های آن جهانی و منطقه‌ای است. اگر این شرایط را محدود به عراق ببینیم

به نوعی آنرا کنترل میکردند و یا در چارچوب استراتژی آن‌ها پیش میرفت. بعد از جهان دو قطبی امروز ما با یک جهان چند قطبی مواجه هستیم و میشود گفت بورژوازی در قطب‌های مختلف مانند چین، روسیه، آمریکا و اروپا و کشورهای دیگر مانند برزیل و هند آفریقا و... هر کدام ادعا و تأثیرات خود را دارند و در شکل دادن به این جهان نقش ایفا میکنند.

علاوه بر اینها در منطقه خاورمیانه سه کشور موثر در رقابت منطقه‌ای وجود دارند که هر کدام نیرو پول و نفوذ و ادعاهایی خاص خود را دارند. عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و ترکیه هر کدام سهم معینی را طلب میکنند و در حال رقابت هستند. بنابر این با دیدن این مولف‌ها اولین چیزی که برای ما مطرح می‌شود این است که بورژوازی نه یک یا دو قطب و استراتژی مشخص مانند زمان جهان دو قطبی، بلکه امروز چندین بلوک با استراتژی جهانی و منطقه‌ای متفاوت وجود دارند که هر کدام از آنها الزاما تابع دیگری نیستند.

آمریکا بعد از فرو ریختن دیوار برلین تلاش کرد استراتژی قدرتی خود را بر جهان بعد از جهان دو قطبی تحمیل کند و از طریق حمله به عراق آن را شروع کرد. در سال ۱۹۹۱ آن همه کشتار و فشار اقتصادی به مردم عراق تحمیل شد که دیگر قدرتهای جهانی را مرعوب خود کند. آماری که منتشر شده در آن جنگ بیش از یک میلیون انسان از بین رفتند. سال ۲۰۰۳ بالاخره آمریکا برای تثبیت قدرتی خود لشکر کشی کرد و صدام حسین را سرنگون کرد. همان موقع کسانی و حتی احزاب چپ بودند که می‌گفتند این جنگ جنگ نفت است و از زاویه ضد امپریالیستی با آمریکا مخالفت میکردند. دیدیم که به این شکل نبود. در همان دوره منصور حکمت تنها کسی بود که تحلیل منحصر به فردی داشت و گفت که این جنگ جنگ جهان پس از دو قطب است و آمریکا با سیاست نظم نوین جهانی می‌خواهد قدرتی خود را به جهان تحمیل کند.

استقلال کردستان عراق...

از صفحه ۴
محکمی برای مردم عرب زبان بخش جنوب عراق که بیش از دو دهه است شب و روز را با ترور و انفجار آدمکشان بسر می‌برند به نقطه امید روشنی تبدیل کند. جریانات چپ، فعالین اجتماعی و مدنی و دیگر نیروهای سکولار وظیفه مهم، تاریخی و خطیری بر دوش دارند. می‌توان و باید در دفاع از مدنیت، در دفاع از انسانیت، در دفاع از زندگی، مهر خود را بر تحولات کنونی کوپید. در غیر اینصورت اوضاع کنونی کماکان میدان تاخت و تاز ناسیونالیسم کرد، جریانات مرتجع اسلامی و دولت‌های منطقه برای سهم خواهی بیشتر خواهد شد و جان و زندگی مردم همچنان بازیچه دست این نیروها

اما آمریکا در رسیدن به هدف خود ناکام ماند و شکست خورد. در عراق ناچار شد عقب نشینی کند. در افغانستان مجبور است که عقب نشینی کند. حتی می‌خواهد راه مذاکره با طالبان که خود آن را سرنگون کرده باز کند. در عراق عملا با یک حکومت موزائیکی اقوام و مذهب و طوایف و عشایر مختلف کاری کردند که زمینه تفرقه‌ها و جنگهای امروز را فراهم کردند. هر کدام از این جریانات "مذهبی"، قومی و ملی" که ظاهرا صاحب و نماینده بخشی از جامعه و متحد آمریکا محسوب میشدند باید در حکومت شریک می‌شدند. اینها شروع به رقابت با همدیگر کردند و این بحران امروز را خلق کردند که همه دارند میبینند.

قدرت‌های جهانی با اتکا به توان نظامی، اقتصادی و سیاسی شان قبلا می‌توانستند سیاستهای مورد نظر خود را به حکومت‌های تحت نفوذ خود دیکته کنند. اما امروز حتی حکومت‌ها بی‌کی که به نوعی دوست این یا آن قدرت جهانی و بلوک جهانی هستند چنین سیاستی را نمی‌پذیرند. به یک معنا دیگر غلام و حلقه به گوش آنها نیستند. خود را شریک و سهم قدرت‌ها میدانند نه تابع آنها. بنابر این، مناسبات و تعادل دوره گذشته جای خود را به مناسبات و تعادل و تناسب قوای جدیدی داده

است. اکنون با جهان تازه‌ای مواجه هستیم. همه مولف‌های گذشته متحول شده‌اند. به نظر من با این جهان چند قطبی و با شکست آمریکا در رسیدن به استراتژی نظم نوین جهانی، یک تعادل و یا بهتر بگویم یک نوع مناسبات جدید در حال شکل گیری است. دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی افسار گسیخته شده‌اند. همین جمهوری اسلامی و عربستان را اگر نگاه کنید میبینید که امروز جمهوری اسلامی سرگرم سیاست‌های خودش است. عربستان به همین صورت است. حتی کشوری مانند قطر در تحولات منطقه‌ای نقش خود را ایفا میکند.

اما در این میان موضوع مهمتر عروج روسیه و ادعاها و سهمی است که برای خود در نظر گرفته است. این یک فاکتور مهم تحولات امروز است. تشکیل بلوک اقتصادی و در قدم بعدی حتما سیاسی و نظامی مانند بلوک "روسیه، چین، برزیل، هند و آفریقا" که به گروه بریکس BRICS معروف است، حدود پنجا درصد جمعیت جهان را شامل میشوند. این یک تحول بزرگ است و تبعات جهانی مهمی دارد. با توجه به همه این تحولات کسی که بخواهد در محدوده فرمول‌ها و تبیین‌های گذشته به سراغ تبیین سیاست در جهان امروز برود چیزی از سیاست و

شوخان شاد شد...

سال گذشته با شوخان و مادر و پدر او آشنایی دارند، بسیار مسرت بخش است. در نظام جنایتکار جمهوری اسلامی خطای پزشکی به ندرت ثبت میشود و خسارات ناشی از خطای پزشکی نیز همواره بی جواب است. از دو سال گذشته تا کنون مادر و پدر شوخان در موقعیت خود ویژه ای برای مراقبت از شوخان قرار گرفته اند. در این مدت پوشش های حمایت مالی و تامین زندگی این خانواده معلق مانده و حمایت و جبران خسارت ناشی از دست دادن بینایی "شوخان" عزیز وجود نداشته است. موقعیت معیشتی این خانواده زیر صفر قرار گرفته است. اکنون با عمل جراحی موفق "شوخان" تامین زندگی و رفاه، بهداشت و همچنانکه پدر شوخان اعلام کرده فراهم کردن امکانات مناسب و با استانداردها بالا ادامه تحصیل شوخان، بعهده دولت است.

ما مردم شهر دیواندره، انسانهای شریف و آزادیخواه در این شهر را به حمایت از خانواده شوخان فرامیخوانیم.

امروز هم تلاش می‌کند که نقش ایفا کند. به طور مثال در سوریه غرب، عربستان، ترکیه، قطر و کشورهای دیگر فکر می‌کنند که بزودی اسد سرنگون میشود. حتی در یک دوره به مرحله سقوط رسید. منتهی روسیه و جمهوری اسلامی توانستند اسد را در قدرت حفظ کنند. اگر چه از هر دو طرف یعنی اپوزیسیون و بشار اسد هر دو انقلاب مردم را شکست دادند. اما پیروزی غرب هم عملی نشد. آنها به عنوان دو نیروی مخرب یک سناریو سیاه را به سوریه تحمیل کردند. این سناریو از سال ۲۰۱۲ شروع شد. اما در این میان روسیه و جمهوری اسلامی نگذاشتند که بشار اسد سقوط کند.

با این تحولات آمریکا قدم به قدم بیشتر متوجه ضعف و ناتوانی خود شد. در متن بحران اقتصادی و رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای به این نتیجه رسید که قدر قدرتی در جهان را نمیتواند از آن خود کند. به همین دلیل ناچار شد سیاست دیگری را در پیش گیرد. ظاهراً اوپاما نماینده آن سیاست بود. البته بخشی از ناسیونالیسم آمریکایی که در وجود جمهوری خواهان ابراز وجود می‌کند، ناراضی از این وضعیت است و هنوز فکر می‌کند دوران گذشته را میتواند احیا کند، که این غیر ممکن است. در درجه اول به این دلیل که موقعیت اقتصادی آمریکا رو به افول است و اجازه یکه تازی را به او نمیدهد و قطبهای دیگر جهانی هم قدرت و ادعای سهم خواهی دارند.

برای مثال اروپایی که متحد آمریکا است و قبلاً میشد سیاستهای آمریکا را به آنها دیکته کرد اکنون جواب آمریکا را نمیدهد. در جریان حمله به عراق اروپا موافق نبود. به جز انگلستان بقیه در مقابل آمریکا ایستادند. اکنون در دنیای چند قطبی تنها اروپا نیست که قد علم کرده است. علاوه بر دیگر قطبهای مهم جهانی حتی کشورهای منطقه مانند ایران، عربستان، ترکیه ادعای سهم خواهی دارند. حتی قطر که از نظر مساحت و قدرت اقتصادی و سیاسی هم جایگاه جدی اشغال نمیکند در منطقه نقش

دیکتاتورها و کسانی که در راس نظامهای دیکتاتور مذهبی قرار داشتند و جنایتکار و آدمکش هستند دست بدهد، اما کسی دست او را نگرفت و هنوز موفق نشده است.

روسیه اما داستان متفاوتی دارد به نظر من روسیه از دوره که تحقیر شد گلر کرده است. با از بین رفتن بلوک شرق مناطق تحت نفوذ روسیه تکه تکه شد و بخش بزرگی از آن به بلوک غرب ملحق شد. ناسیونالیسم روس در روسیه این تحقیر را نمی‌توانست هضم کند و تلاش کرد ناسیونالیسم روس را زنده کند. اکنون آنچه که رقابت شرق و غرب گفته میشود، عروج دوباره ناسیونالیسم روس است. زیر از لحاظ اقتصادی و نظامی تبدیل به یک قطب شده است و از نظر سیاسی هم به اندازه وزنش ادعا دارد و سهم خودش را میخواهد. روسیه از نظر تاریخی هم هیچ وقت نتوانسته قدر قدرتی و ژاندارم بودن جهان را عهده دار شود، ادعایش در این سطح نبوده است. اما از قدیم الایام تحت سیطره غرب هم نبوده است.

به نظر من روسیه امروز بیشتر سهمش را از جهان سرمایه داری و شرایط موجود طلب می‌کند. آمریکا و اروپا بعد از شکست بلوک شرق تلاش کردند که روسیه دوباره زنده نشود اما نتوانستند. زیرا آمریکا خودش در عملی کردن سیاست نظم نوین جهانی دچار شکست شد. علاوه بر این فاکتور، واقعیت اقتصادی یک چیز دیگری را دیکته می‌کند. ایدئولوگها و سیاستمداران استراتژیست سرمایه داری غرب در یک سردرگمی عمیقی بسر می‌برند. حتی اگر استراتژی هم داشتند باز هم سیستم و نظام سرمایه داری تابع سود سرمایه است و سیاست های خاصی را دیکته می‌کند. به همین خاطر روسیه دوباره زنده شده و ادعای سهم می‌کند. از نظر تاریخی روسیه از دوران تزار تا پایان جهان دو قطبی همیشه نه متحد اروپا نه متحد آمریکا بلکه در رقابت با آنها بوده است. روسیه به عنوان یک قطب ادعاهای خودش را داشته است.

بویژه چیزی از مارکسیسم نفهمیده است.

نسرین رضانعلی: شما در صحبت های خودتان از جهان دو قطبی صحبت کردید با فروپاشی بلوک شرق جهان از دو قطبی بودن خارج شد. آمریکا در اجرای سیاست نظم نوین جهانی که خیلی تلاش داشت به قدر قدرتی در جهان تبدیل شود شکست خورد. همانطور که شما هم گفتید ما اکنون شاهد نیروها و یا قدرتهای دیگری هستیم اروپا و چین و ژاپن و روسیه که کماکان علی رغم فروپاشی بلوک شرق تلاش دارند در وقایع جهانی تأثیر گذار باشند

حتا زمانی که آمریکا به عراق حمله کرد دولت روسیه با این حمله موافق نبود. ۱۱ سپتامبر که اتفاق افتاد و آمریکا قصد داشت از این شرایط استفاده کند و قدر قدرتی خود را تثبیت کند که در همان زمان روسیه باز مخالف جنگ به اسم مبارزه با تروریسم بود. در همین دو سال اخیر بر سر اتفاقات سوریه و اوکراین آمریکا قصد داشت و دارد که نقش اصلی را ایفا کند که باز هم روسیه نگذاشت. فکر نمی‌کنید که امروز این دو یعنی آمریکا و روسیه باز هم می‌خواهند این را ثابت کنند که آنها قدرت اصلی هستند و حرف آخر را میزنند. در دل چنین تحولاتی چرا حکومتهای موزائیکی اقوام، مذاهب و... را تشکیل میدهند.

محمد آسگران: این سوال شما دو بخش دارد اول اینکه آمریکا که می‌خواست قدر قدرت جهان باشد، امروز در عراق و افغانستان شکست خورده و روسیه در عمل در مقابل آمریکا قد علم کرده و بخش بعدی اینکه چرا حکومت‌هایی بر اساس موزائیک قومیت- مذهب پی ریزی میشوند. تا آنجائیکه به بخش اول سوال مربوط میشود به نظر من دوران قدر قدرتی آمریکا با ریختن بلوک شرق از بین رفت. آمریکا تلاش کرد با جنگ عراق این را احیا کند اما نتوانست و شکست خورد. خود اوپاما حاصل سیاست شکست خورده نو محافظه کاران بود. ظاهراً اوپاما می‌خواست با دست باز با

خود را ایفا میکند. هر کدام از این دولتها سهم خود را میخواهند. زیرا اکنون آن قطبی که آمریکا بخواد این کشورها را از آن بیمانک کند و آنها را مطیع خود کند وجود ندارد. زیرا روسیه دیگر آن روسیه سابق نیست و نمیتواند باشد. از آن طرف چین با کالاهای ارزان و بدون کیفیت خود جهان را قبضه کرده است. اسلام سیاسی و کشورها و جریانات متعلق به این جنبش هم برای خود ادعا دارند و سهم خواهی میکنند. در یک کلام همه جریانات و دولتهای مترجع "آزاد" شده اند و به جان جامعه افتاده اند.

در جایی مثل مصر آمریکا و ترکیه و اروپا می‌خواستند که مرسی در قدرت بماند اما عربستان نمی‌خواست و وقتی ارتش کودتا کرد آمریکا ظاهراً موافق نبود. اما

علیرغم مخالفت متحدین سنتی ارتش مصر سیاست عربستان پیش رفت و بقیه تمکین کردند. همین تنها فاکتور گویای تحول مهمی در جهان امروز است که بسیاری از تحلیلگران سنتی و چپهای سنتی توان تحلیل و دیدن ابعاد آنرا ندارند.

نسرین رضانعلی: می‌خواهم برگردیم به نقش مردم و جایگاه آنها در این تحولات، در این مورد چه فکر میکنید؟

محمد آسگران: ابتدا که این جهان چند قطبی پدید آمد و به دنبال آن بحران اقتصادی ۲۰۰۸ اتفاق افتاد تأثیرات مخرب خود را بر جهان و زندگی مردم گذاشت. مردم کشورهای مانند تونس، مصر، لیبی و سوریه سالها بود که از دست دیکتاتورها عاصی بودند. اما

از صفحه ۶

سناریوی عراق و سوریه...

قدرتهای حامی آنها ابتدا در بلوک غرب و شرق بودند و بعدا غرب بود که اجازه نمیداد مردم این دیکتاتورها را از سر راه بردارند. اروپا و آمریکا تا روزهای آخر هم پشت مبارک و بن علی ایستاده بودند و نمیخواستند آنها سرنگون شوند. اما زمانیکه دیدند این اعتراضات در دنیای امروز با وجود اینترنت و رسانه های اجتماعی و انفجار ارتباطات نمیتوانند آن را مهار کنند سعی کردن که این انقلابات را از مسیر خود منحرف کنند.

نسرین رمضانعلی: آیا میتوانیم

بگویم کودتایی شبیه آنچه در ایران رخ داد در این کشورها نیز به وقوع پیوست.

محمد آسگران: ببینید نه در

ایران بعد از انقلاب ۵۷ و نه در این کشورها کودتایی رخ نداده است. آنچه من میبینم سیاست طبقات حاکم و نقش سیاسی کشورهای غربی است که این انقلابات را با شکست مواجه کنند و کردند. حتی در مورد سقوط مبارک و بن علی سعی کردند ابتدا با قدرت ارتش انقلابات را شکست بدهند که نتوانستند. در قدم بعدی خود را موافق مردم انقلابی نشان دادند که بتوانند این انقلابها را مدیریت و منحرف کنند. اما در سوریه و لیبی نتوانستند این نوع مدیریت را با همکاری ارتش عملی کنند. دلیل هم این بود که این حکومتها از نظر سیاسی "مستقل" بودند. ارتش سوریه و لیبی همانند نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تابع سیاستهای غرب نبودند.

اما در مصر و تونس تابع آنها بودند. ما در جهان پس از جنگ سرد هنوز چهار کشور "مستقل" در منطقه داریم: سوریه، عراق، ایران و لیبی این چهار کشور بودند که واقعا از نظر سیاسی مستقل بودند. گوش به فرمان قدرت های جهانی نبودند. حتی در مواردی اینها با هم رقابت میکردند. علیه قدرت های جهانی جبهه و متحدین خود را داشتند. از این چهار کشور هنوز جمهوری اسلامی در قدرت

داشت که همه کشورهای متحد غرب در خاور میانه را با خطر انقلابات مواجه کند. دول غربی در عین حال نمیخواستند انقلاب را طوری مهار کنند که اسد تقویت شود. زیرا اسد متحد جمهوری اسلامی و در جبهه مخالف غرب قرار داشت. میخواستند این اعتراضات طوری باشد که اسد را سرنگون کند اما در عین حال دوست نداشتند که انقلاب پیروز شود. می دانستند که پیروزی انقلاب تأثیرات خود را بر عراق، ترکیه اردن، عربستان و کشورهای دیگر می گذارد و اگر این روند طی میشد آن زمان غیر قابل کنترل میبود. در ضمن در سوریه مانند لیبی نمیتوانستند مستقیم با نیروی نظامی دخالت دخالت کنند.

نیروهای ارتجاع اسلامی و ارتش آزاد سوریه را به میدان وارد کردند و سوریه عملا به میدان جنگ اینها با ارتش اسد تبدیل شد و در همان سال ۲۰۱۲ انقلاب مردم را حاشیه ای و شکست دادند. زیرا یک طرف این جنگ ارتجاع سیاه اسلامی و طرف دیگرش ارتش خون ریز سوریه بود. متحدین اپوزیسیون مسلح سوریه میخواستند که اسد از طریق این نیروهای مسلح مرتجع از بین برود نه از طریق انقلاب مردم. امروز میبینیم که سوریه به چهار قسمت تقسیم شده است. ۱- ارتش سوریه ۲- نیروهای ارتش آزاد و القاعده ایها ۳- داعش و ۴- نیروهای ناسیونالیست کرد در سوریه هر کدام بخشی از کشور سوریه را تحت تسلط خود دارند و حکومت جداگانه ای دارند و در رقابت و جنگ با همدیگر بسر میبرند. عراق هم به سه بخش تقسیم شده است که هر کدام حکومت جداگانه خود را دارند. این وضعیت فقط در دل رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای میتواندست بوجود بیاید که یک فاکتور مهم آن شکست آمریکا در پیاده کردن سیاست نظم نوین جهانی بود. در پس چنین تحولاتی است که هر کدام از این جریانات ارتجاعی و دولتهای منطقه سهم و منطقه نفوذ خود را میخواهد.

ادامه دارد

از صفحه ۱ کارگران ریسندگی پوریس سندج...

جدید تا کنون پرداخت نشده است و مزایای دو سال قبل آنها هم که قرار بوده پرداخت شود، کارفرما از پرداخت آنها خود داری کرده است.

کارگران ابتدا با مراجعه به کارفرمای شرکت پوریس (امیر اسفندیاری) خواهان پاسخ روشن و صریح او شدند. پاسخ کارفرما این بوده است: "میتوانید به اداره کار بروید. اگر قانون به شما حق داد و من هم پول داشته آن هنگام حقوقتان را پرداخت میکنم". این درجه از زورگویی و بیشرمی و شانه بالا انداختن کارفرما، کارگران را به این قناعت رساند که برای گرفتن حقتان هیچ راهی بجز اعتصاب ندارند. کارگران ضمن اعتصاب به اداره کار رفته و علیه کارفرما شکایت کرده اند. اما در هفتمین روز اعتصاب تا کنون هیچ پاسخی نگرفته اند.

کارگر پوریس!

شما در مبارزه علیه کفرما و دولت حامی آنها تجارب گرانهایی دارید. هم طبقه ایهای شما در دیگر مراکز کارگری تجارب با ارزشی دارند. استفاده از این تجارب همگی میتواند شما را در رسیدن به مطالباتتان یاری رساند. کارگران ذوب آهن کردستان در قروه تجارب خوبی در مبارزه علیه کارفرما و دولت حضور پیدا کرده و ضمن اعلام همستگی از تجاربشان بگویند. اما اولین شرط پیروزی هر اعتصاب و اعتراضی اتحاد و تصمیم جمعی شما است. اگر صف خودتان را متحد نگهدارید کارفرما و دولت ناچار میشوند

کمیتته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت قاطع از مطالبات کارگران پوریس از همه کارگران و مردم سندج میخواهد با اعلام همستگی خود از اعتصاب این کارگران حمایت کند. باید دولت و کارفرما بدانند اگر حقوق آنها را پرداخت نکنند با اعتراض وسیعتری مواجه میشوند.



نگاه هفته

در آب غرق شدند

مریوان: فرید تارین فرزند کریم و دانا تاراج فرزند محمد به دلیل واژگونی تیوب در آب دریاچه زریبار و به دلیل عدم آشنایی با فنون شنا در آب غرق شده و جان خود را از دست داده‌اند.

سقز: زانکو هومایون فرد ۲۳ ساله در سد کاظمی در نزدیکی روستای لگزی سقز غرق و جانباخت.

تیراندازی و کشتار

اشنویه: عبدالرحمن ابراهیم پور فرزند عارف از سوی مأموران مسلح حکومتی در شهرستان اشنویه به قتل رسید. حادثه تیراندازی نظامیان و مرگ این جوان در روستای "حسن‌آباد" به وقوع پیوسته است.

سردشت: نیروهای نظامی حکومت اسلامی ۳۱ راس اسب بارکش کولبران روستای "هرزنی" از توابع شهر سردشت را کشتند. این نیروها ۴ اسب را به همراه کالای پشت آنها، در آتش سوزاندند. حادثه در محلی میان روستاهای "تیت" و "بردان" روی داده و این اقدام نیروهای نظامی نارضایتی و نگرانی شدید ساکنین منطقه را در پی داشته است.

آمراد: نیروهای نظامی سپاه تازه‌آباد در استان کرمانشاه با شلیک به یک کولبر به نام حبیب قادری، وی را زخمی کردند. همچنین در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی و در شهرستان سلماس یک کولبر دیگر با نام محمدخانی زاده در نتیجه تیراندازی هنگ مرزی به شدت زخمی شده است.

زندانیان سیاسی

امرداد: کیوان داودی ۲۵ ساله بر اثر عفونت ساق پای راست با وخامت حال روبرو می‌باشد و شش سال گذشته را در حبس بسر برده است. کیوان به هنگام بازداشت توسط مأموران اطلاعات مهاباد با برخورد شدید و اذیت و آزار در بازداشتگاه مواجه گردید و پلاستین ساق پایش را شکسته‌اند. کیوان داودی که با خطر جدی قطع پاهایش

مواجه بود به منظور جراحی از زندان مرکزی ارومیه به یکی از بیمارستان‌های شهر ارومیه انتقال یافت. کیوان داودی در سن ۱۹ سالگی در سه راه "دارلک" مهاباد از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و در دادگاه انقلاب حکم ۱۰ سال زندان تعزیری برای وی صادر و هم اکنون ۶ سال از مدت محکومیتش را گذرانده است.

زانبار و لقمان مرادی

امرداد: دادگاه کیفری کرج لقمان و زانبار مرادی را احضار و دادگاهی کرد. در جلسه دادگاهی این دو زندانی سیاسی، صالح نیکیخت و کیل مدافع لقمان و زانبار مرادی به دفاع از موکلین خود پرداخته و بر بی‌گناهی آنان تاکید کرد. در این باره سایت "نفس در قفس" اعلام کرد: نیکیخت در طول جلسه آمادگی خود را برای معرفی ۴ شاهد به دادگاه اعلام کرده که یکی از قضات در واکنش به سخنان آقای نیکیخت تصریح کرد: در این‌گونه پرونده‌ها اصل بر برائت است و شاک و یا مدعی‌العموم بایستی شهود خود را برای اثبات جرم به دادگاه معرفی کنند. زانبار و لقمان مرادی دهم مردادماه و پنجم مهرماه سال ۱۳۸۸ به اتهام قتل پسر امام جمعه شهر مریوان از سوی نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران بازداشت شدند. این ۲ زندانی تا ۹ ماه پس از بازداشت نیز هیچ اتهامی به آنها نسبت داده نشده بود و در بازداشتگاه‌های اطلاعات نگهداری می‌شدند، اما در دیماه سال ۱۳۸۹ از سوی قاضی صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به اتهام "محاربه" به اعدام در ملاء عام محکوم گردیدند. حکم اعدام این دو زندانی سیاسی از سوی دیوان عالی کشور تایید و به شعبه اجرای احکام فرستاده شده بود که با تلاش وکلا و افکار عمومی این پرونده برای بررسی مجدد به دادگاه کیفری ارجاع داده شده است. سازمان عفو بین‌الملل نیز طی بیانیه‌ای خواستار لغو حکم اعدام این دو زندانی سیاسی و توقف حکم اعدام شهروندان و زندانیان سیاسی در ایران شده بود. (از سایت کردپا)

وضعیت وخیم سه زندانی سیاسی در زندان مهاباد

مصطفی فقیه، عمر پیرنیا و جمال قادرنژاد به بیماری‌های کلیوی، کمر درد، قند خون و دیسک کمر مبتلا هستند و خواستار انتقال به بیرون زندان می‌باشند. دادستان و مسئولین زندان مرکزی مهاباد از مخالفان اصلی انتقال سه زندانی بیمار هستند. مصطفی فقیه ۵۳ ساله و اهل مهاباد می‌باشد که دو سال قبل بازداشت و در زندان مرکزی مهاباد با بیماری قند خون شدید روبرو است. وی به همکاری با احزاب اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران متهم است و حکم ۵ سال زندان تعزیری دارد. جمال قادرنژاد ۳۸ ساله نیز با بیماری دیسک کمر که گفته می‌شود "زیر شکنجه بازداشتگاه اداره اطلاعات" بدان مبتلا شده، دست‌وپنجه نرم می‌کند و مسئولان زندان مهاباد مخالفت خود را با انتقال وی به مراکز درمانی قادرنژاد دانشجوی دانشگاه پیام‌نور میاندوآب در خردادماه ۹۱ توسط مأموران اداره اطلاعات مهاباد بازداشت و بعدها در دادگاه انقلاب به ۵ سال حبس محکوم گردید. عمر پیرنیا دیگر زندانی سیاسی بیمار در مهاباد در وضعیت وخیم جسمی بسر می‌برد و مسئولان زندان را به اعتصاب غذا در صورت عدم اعطای مرخصی استعلاجی تهدید کرده است.

بازداشت فله‌ای: چهار نفر در روستاهای تابع شاهین دژ توسط مأموران امنیتی این شهر بازداشت گردیدند. بازداشت این افراد با مراجعه نیروهای اطلاعاتی به منازل مسکونی آنان صورت گرفته است. سه تن از دستگیر شدگان به نام‌های پرویز قسقی، کامل سهرابی و اسد شامحمندی در روستای "قوزلوی افشار" می‌باشند. در روستای "ینگجه"، محمود میرزایی را بازداشت می‌کنند.

کارگران تجمع اعتراضی کارگران در سنندج

کارگران اخراجی شرکت سهند آذر در مقابل فرمانداری در سنندج تجمع کردند. کارگران خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده و

برگزاری دادگاه زانبار ...



روز چهارشنبه این هفته ۲۳ ماه ژوئیه برابر با اول مردادماه قرار بود جلسه دادگاه زانبار و لقمان مرادی برگزار شود. یکروز قبل ظاهراً به آنها خبر داده بودند و این دو زندانی محکوم به اعدام روز چهارشنبه به محل دادگاه اعزام شدند. ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه زانبار و لقمان به شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران منتقل شدند. در آنجا ظاهراً بدلیل نقض مدارک به آنها گفته شده است که دادگاه در اولین فرصت بعد از تکمیل مدارک برگزار میشود.

قاضی عبداللهی مسئول رسیدگی به پرونده ای جنجالی

بازگشت به کار شدند. کارگران شرکت سهند آذر سنندج از روز شنبه گذشته در اعتصاب به سر می‌برند.

نامنی محیط کار جان ۹ کارگر را گرفت!

در تیرماه سال ۱۳۹۳، ۹ کارگر مناطق کردستان ایران به دلیل کار و حوادث ناشی از آن جان خود را از دست داده‌اند. آمار قربانیان حوادث کار در تیرماه سال جاری نسبت به آمار خردادماه افزایش داشته است. در سال ۹۲، در مناطق کردستان نزدیک به ۱۰۰ کارگر به دلیل حادثه کار جان خود را از دست دادند

مرگ کارگر ۱۸ ساله بدنال سقوط از طبقه هفتم در سقز

صلاح فرزند ابوبکر کارگر ۱۸ ساله ساکن شهر سقز هنگام کار به دلیل سقوط از ارتفاع، جان خود

پرداخت بخشی از حقوق معوقه کارگران اعتصابی سد بنیر مریوان

در پی اعتصاب ۴۵۰ نفر از کارگران سد بنیر مریوان نسبت به عدم پرداخت حقوق معوقه خود در تاریخ ۲۵/۰۴/۹۳، کارفرما دو ماه حقوق معوقه کارگران قسمت حمل و نقل و همچنین یک ماه از حقوق معوقه کارگران در قسمت های مخزن، دیوار و تونل را به حسابهای آنها واریز کرد. ضمن اینکه این اعتصاب با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت مابقی طلب کارگران در روزهای آینده به پایان رسید و کارگران به توافق رسیدند که از روز دوشنبه به سر کارهایشان باز گردند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

نگاه هفته

بهنام ابراهیم زاده هنوز زیر بازجویی و شکنجه قرار دارد

در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱ بهنام ابراهیم زاده عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و از همکاران جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان توانست تلفنی با خانواده اش صحبت کند ولی همچنان او در انفرادی ۲۰۹ قرار دارد و ملاقات به خانواده اش نمی دهند. همسر بهنام دو روز قبل به دفتر خدابخشی نماینده دادستانی رفته و از او خواسته است که تکلیف بهنام را روشن کنند، وقتی همسر بهنام به وضعیت و در انفرادی نگهداشتن او اعتراض کرده و گفته است: بهنام را زدید زخمی شد و بعد به انفرادی بردید، ما فکر کردیم طبق عادت همیشگی ماموران زندانی را می زنند زخمی میشود تا خوب شدن جای زخمها در انفرادی نگه می دارند و بعد از خوب شدن زخم های زندانی او را به بند عمومی می آورد، بهنام زخم هایش خوب شد ولی باز به بند عمومی نیابردید،

چرا؟ هر روز ما تحت استرس و نگرانی و انتظار هستیم، پسر، تنها فرزند ما بیمار است و هر روز از طرف شما ها تحت فشار قرار دارد، و دیگر به خاطر ناراحتی های روحی که با اذیت و آزار بهنام به او وارد می کنید، مداوای بیماریش جواب لازم را نمی دهد، ۶ نفر مامور من و پسر را بیش از سه ساعت بازداشت کردند و اجازه ندادند به خانه مان برویم و ما را تحت نظر به سبک گروگان گیری به خانه برده و خانه ما را زیر و رو کردند و وسایل ما را با خود بردند و هنوز هم نمی دهند، و هیچ جوابی هم نمی دهید،

آقای خدا بخشی، ما مشکلات خود را به چه کسی بگوییم؟ نه قانون را رعایت می کنید، نه به خانواده احترام می گذارید، نه از خدا می ترسید، نه به پسر بیمار توجه می کنید، چرا اینقدر برای ما مشکل ایجاد می کنید؟ چرا به یک کارگری که تمام جرمش این است که به کودکان خیابان و کودکان کار خاوندن نوشتن یاد می داد و از نان شب کارگران حرف می زد، اینقدر

ظلم می کنید؟ خدابخشی در مقابل همه گفته های همسر بهنام فقط چند باری گفته است "ببینیم چه می شود" آیا می شود زندگی یک کارگر بیگناه و خانواده اش را نابود کرد و منتظر شد که "ببینیم چه میشود"؟

آقای خدا بخشی: دیدن ندارد، کاملاً مشخص است که چه می شود، زندگی سه نفر انسان به بر خورد شما بستگی دارد اگر قانون را رعایت کنید بهنام آزاد می شود و اگر همچنان به اعمال غیر قانونی ادامه بدهید، باعث آزار و اذیت بیشتر و بیشتر آنها خواهید شد، آیا انتظار معجزه دارید؟، که "ببینید چه می شود؟" اگر نیاز به معجزه هم باشد بدون شک آن معجزه را شما ماموران و قاضی باید انجام بدهید و آن اینکه برای یک بار هم که شده، قانون را رعایت کرده بهنام را آزاد کنید، نگاه خواهید دید که چه می شود. بعد از سرکوب و ضرب و شتم زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین، که بهنام یکی از زندانیانی بود که بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و سپس با بقیه به انفرادی انتقال داده شد، تا کنون تمامی زندانیان منتقل

شده به انفرادی به بندهای عمومی یا زندانهای دیگر منتقل شدند، اما هنوز بهنام در انفرادی ۲۰۹ زیر بازجویی و شکنجه به سر می برد. متأسفانه در جمهوری اسلامی هیچ انسانی پیدا نمی شود، که علاقه ای به رعایت قانون داشته باشد و بخواهد حق و حقوق انسانها را رعایت کند، بدون شک حتی اگر، حداقل قانون خودشان را رعایت کنند، نه تنها بهنام باید سریعاً آزاد شود، بلکه قاضی محاکمه کننده و ماموران و مسئولانی که آمر و عامل شکنجه و ضرب و شتم بهنام بودند دلیل اینکه ساهاست قانون را زیر پا گذاشتند و اقدام به آزار و اذیت و شکنجه بهنام کردند باید محاکمه و مجازات شوند. ما از کارگران و انسانهای آزادیخواه می خواهیم از هر طریقی که می توانند، اقدام به کمک و یاری بهنام ابراهیم زاده و خانواده او نمایند. کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری 3/5/1393

افشین ندیمی در شرایط دشوار جسمی محبوس و نیازمند مرخصی پزشکی می باشد

بنا به گزارش دریافتی، افشین

ندیمی از اعضای کمیته هماهنگی که در زندان مرکزی سندانج محبوس است در شرایط بسیار سخت جسمی با بیماری دست و پنجه نرم می کند. نام برده که از بیماری تنفسی شدید رنج می برد دچار مشکلات بسیار در تنفس شده و از ناحیه ی ریه احساس درد شدید دارد در حالی که داروهای لازم برای درمان وی به تعداد بسیار کمی و حتی کمتر از یک سوم نیاز، در اختیار وی قرار می گیرد که باعث شده حتی از حداقل نیاز دارویی نیز محروم باشد. وضعیت جسمی افشین به خصوص با توجه به آلودگی بسیار زیاد بند در زندان سندانج که منجر به تشدید بیماری وی شده به نحوی است که وی باید هر چه سریعتر از زندان آزاد شده و تحت درمان مناسب قرار بگیرد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن محکومیت محدودیت های درمانی و دارویی که برای افشین ندیمی ایجاد شده خواهان آزادی فوری وی برای درمان مناسب تحت نظر پزشکان در خارج از زندان می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۳ مرداد ۱۳۹۳

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

کاندید اتحادیه میهنی رئیس جمهور عراق شد!

بعد از چندین روز جدل و کشمکش در میان اعضای رهبری اتحادیه میهنی، بالاخره روز چهارشنبه ۲۳ جولای از میان سه کاندید اتحادیه میهنی، فراکسیون کردها در پارلمان عراق به فواد معصوم رای دادند. همچنین روز بعد ۲۵ جولای نمایندگان پارلمان عراق فواد معصوم را بعنوان هشتمین رئیس جمهوری عراق اعلام کردند.

گرچه تعیین رئیس جمهور در عراق امروز ظاهری انتخابی دارد، اما در اصل و در پی تقسیم قدرت در میان جریانات مذهبی و ناسیونالیستی در عراق، عملاً رئیس جمهوری سهم ناسیونالیستهای کرد است که آنها نیز با توجه به تقسیم قدرت در میان خود آنرا به اتحادیه

میهنی واگذار کرده اند ولی اتحادیه میهنی تا ساعات پایانی انتخابات فراکسیون کردها نتوانست یک کاندید را معرفی کند و به همین خاطر این فراکسیون از میان سه کاندید فواد معصوم را انتخاب کرد.

دیدار هیاتی از سیاستمداران عراقی با مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان

هفته گذشته هیستی از سیاستمداران عراقی با مسعود بارزانی در باره اختلافات حکومت اقلیم و دولت بغداد دیدار و مذاکره کردند. وایل عبداللطیف از اعضای هیئت عراقی دیدار کننده با بارزانی گفته "به مدت ۴۵ دقیقه بر سر مسائل مختلف و از جمله، بحث جدایی کردستان، تهدیدهای گروه داعش، شایعه کمک نیروهای اقلیم برای به تسلیم واداشتن نیروهای

ارتش عراق در شهر موصل به گروه داعش، شایعه اینکه گویا شهر کرکوک از طرف نیروهای اقلیم اشغال شده، فروش نفت کردستان به دولت اسرائیل و نخست وزیری نوری مالکی بحث و گفتگو کرده اند". این عضو هیئت مذاکره کننده گفته، مسعود بارزانی در این دیدار تهدید کرده که اگر نوری مالکی بخواهد برای دور سوم نخست وزیر عراق بماند، آنگاه جدایی کردستان قطعی خواهد بود.

لازم به ذکر است که بحث استقلال کردستان و اعلام کشوری مستقل اکنون به بحثی جدی در میان مردم تبدیل شده و بسیاری از احزاب سیاسی و از جمله خود مسعود بارزانی از آن دفاع کرده اند.

اما بسیاری از ناظران بر این باورند که احزاب ناسیونالیست نه تنها خواهان جدایی نیستند، بلکه آنها خود عملاً مانعی جدی در راه تصمیم گیری آزادانه مردم کردستان

عراق بر سر جدایی هستند و همچنانکه از این خبر هم پیداست مسعود بارزانی و احزاب ناسیونالیست جدایی را بعنوان تهدیدی برای سهم خواهی بیشتر از دولت قومی مذهبی عراق می خواهند تا خواستی عادلانه و مشروع برای مردم کردستان.

در کمتر از ۲۴ ساعت هفت زن قربانی ناموسی پرستی و مردسالاری شدند.

طبق گزارشی از سایت ان ار تی، تنها در روزهای ۲۵ و ۲۶ ماه جولای در منطقه اقلیم کردستان چهار زن جانشان را از دست داده اند و سه نفر هم زخمی شده اند. این سایت، قتل وحشیانه زنان را چنین گزارش می دهد، "روز ۲۶ جولای زنی در شهر اربیل توسط همسرش مورد اثابت چند گلوله قرار می گیرد و بشدت زخمی میشود. در زبوی نزدیک شهر دوکان در همین روز

جنازه زنی که با گوله به قتل رسیده بود پیدا می شود. در شهر رانیه نیز دو دختر ۱۵ و ۱۶ ساله دست به خودکشی می زنند و هر دو جانشان را از دست می دهند. در روستای چومان نیز زنی ۲۰ ساله به اسم راضیه بعد از یک ماه ازدواج خود سوزی می کند و دیروز بعد از نه روز از خود سوزی، او هم جانش را از دست می دهد. راضیه اعلام کرده بود که به دلیل اختلاف با شوهرش و اینکه او از رفتن به مدرسه اش جلوگیری کرده دست به خود سوزی زده. ساعت ده صبح روز یکشنبه ۲۷ جولای در روستای بیتاس در نزدیک شهر زاخو نیز مردی ۸۲ ساله به روی همسر و نوه خود اسلحه کشیده و هر دو را زخمی می کند".

این گزارش تکان دهنده، و همچنین قتل صدها زن در ۲۳ سال گذشته که احزاب ناسیونالیست کرد قدرت را در دست داشته اند نشانه

توحش بی پایان قوانین مردسالارانه، مذهبی و ناسیونالیستی به جسم و جان زنان است که تنها با برافراشتن پرچم برابری کامل زن و مرد، کنار زدن جریانات ناسیونالیست قومی و مذهبی و دستگیری و محاکمه کلیه کسانی که در قتل زنان دست داشته اند می تواند نقطه پایانی را بر این زن ستیزی تصور کرد.

دیدار نوری مالکی نخست وزیر عراق از جلال طالبانی

روز جمعه ۲۶ جولای نوری مالکی نخست وزیر عراق در شهر سلیمانیه با جلال طالبانی رئیس جمهور پیشین عراق دیدار کرد. لازم به ذکر است که جلال طالبانی بر اثر بیماری نزدیک به دو سال در کشور آلمان به سر می برد و هفته گذشته و چند روز قبل از پایان ریاست جمهوری به کردستان عراق بازگشت، اما هنوز هم اطلاع دقیقی از چگونگی وضع جسمی جلال طالبانی در دست نیست.

گروه داعش کردهای مقیم شهر موصل را به کوچ اجباری تهدید کرد.

به گفته یکی از مقامات بالای حزب دمکرات کردستان گروه تروریستی داعش که اکنون خود را دولت اسلامی شام و عراق می نامد از طریق مساجد شهر موصل از کردهای این شهر خواسته اند که شهر موصل را ترک گویند. این مسول حزب دمکرات می افزاید، آنها اعلام کرده اند که کردهای شهر موصل اگر شهر را ترک نگیرند، یا به نیروهای مسلح آنها نپیوندند،

آورست که بعد از تصرف شهر موصل و بخشهای زیادی از عراق توسط گروه داعش بارها درگیری میان این گروه و نیروهای اقلیم کردستان پیش آمده و هر دو طرف نیروهای زیادی را به طرف مرزهای مشترکشان سرازیر کرده اند و هم اکنون عملاً اقلیم کردستان بیشترین نوار مرزی را با گروه داعش دارد تا حکومت مرکزی عراق.

با وجود تهدید و اعتراض اسلاميون، استخر عمومی شهر سلیمانیه به کار خود ادامه می دهد.

مسولین شهر بازی چاوی لند در شهر سلیمانیه اعلام کردند که با وجود اعتراض تعدادی از اسلاميون به بازگشایی استخر عمومی در این شهر، آنها به کار خود ادامه می دهند و روزهای سه شنبه خانوادها و زوج های جوان می توانند زن و مرد با هم شنا کنند. این اولین استخری است در منطقه اقلیم کردستان زن و مرد با هم می توانند شنا کنند و البته قبل از اعتراض اسلاميون هم مسئولین این شهر بازی خود از قبل زمینه اعتراض اسلاميون را فراهم کرده بودند، چرا که به جای اعلام استخری عمومی برای زن و مرد، آنها تنها روزهای سه شنبه را به عمومی زنان و مردان اختصاص داده بودند و آنها با این شرط که زن و مرد مجرد به تنهایی و بدون همراهی خانواده هایشان نمی توانند وارد استخر شوند. لازم به ذکر است که هفته پیش تعدادی از اسلاميون در شهر اربیل با پرچم "استخر عمومی تعرض به اسلام است" در مقابل پارلمان کردستان دست به اعتراض زدند و حتی تعدادی از نمایندگان پارلمان قول پیگیری خواسته ارتجاعی آنها را داده بودند.

باید سرانه پرداخت کنند. این سیاست فاشیستی گروه تروریستی داعش، هفته قبلتر مسیحیان شهر موصل را تهدید و در نهایت اکثریت آنها را به کوچ اجباری وادار کردند و اکنون هم در حالی کردهای مقیم شهر موصل را تهدید می کنند که آنها نزدیک به ۴۰ درصد از جمعیت ۲ میلیون نفری شهر موصل را تشکیل می دهند و این مردم قبل از تسخیر این شهر توسط گروه وحشی داعش برای دهه ها در آسایش با هم زندگی کرده اند، ولی آنها با این سیاست فاشیستی عملاً پاکسازیهای قومی و مذهبی را شروع کرده اند که می تواند آینده ای بسیار خونبارتر از آنچه حتی امروز در عراق می گذرد در پی داشته باشد.

دستگیری سه تن از نیروهای اقلیم کردستان توسط گروه داعش

روز پنجشنبه ۲۴ جولای گروه تروریستی داعش که بخشهای مهمی از عراق را در دست دارد، اعلام کردند که در نزدیک شهر موصل و در منطقه تلکلیفی سه تن از نیروهای پیشمرگ اقلیم کردستان را به اسارت خود در آورده اند.

شهر جلولا بطور کامل به تصرف نیروهای اقلیم کردستان در آمد.

بر اساس گزارشهای منتشر شده، شب ۲۳ جولای در جنگی میان نیروهای گروه تروریستی داعش و اقلیم کردستان، شهر جلولا به تصرف کامل نیروهای اقلیم کردستان در آمد. لازم به یاد

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr: 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۴۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید می توانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سپاسگ بهاری: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!